

عوامل رواني تکفير

عوامل رواني تکفير

مرتضي آفا محمدي

دانشجوي دکتری شیعه شناسی-دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

تمایل به خشونت، حس قیام به زدودن منکرات از جامعه، انحصارگرایی، اقتدار گرایی، جذابیت تکفیر به لحاظ مبرریت آن، واکسینه کردن خودیها، حذف رقیبان، توجیه عقب ماندگیها و ارضای روحیه جهادگری، پای فشاری بر عقاید خود، تعصبات قومی و عربی، نوع تلقی اهل سنت از پیامبر (ص) و صحابه، ماجراجویی و جبران مافات، اینها همه عوامل رواني هستند که برخی از مسلمانان افراطی را به تکفیر دیگران وامی دارند. این نوشته بر آن است تا هر کدام از این عوامل را مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

عوامل روانی، تکفیر، انحصار گرایی، اقتدار گرایی، قبیله گرایی

مقدمه:

تکفیر یکی از مشکلاتی است که از قرن اول دامنگیر مسلمانان و جهان اسلام شد و سبب بروز جنگهای بسیار و کشتارها و غارتها و فاجعه باری در میان مسلمانان و تفرقه و تشدد صفوف آنان گردید. به جرات می توان گفت که در آموزه های فقه کلامی و روانی و نیز تجربیات تاریخی شیعه، تمایل به چنین اقدامی دیده نمی شود. مسئله تکفیر و علل پیدایش آن را می توان از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز دیگر جهات مورد مطالعه قرار داد. یک دسته از این عوامل، انگیزه های روانی و بسترهای اجتماعی افرادی است که دست به تکفیر دیگران می زنند.

برخی عوامل روانی سبب می شوند تا کسانی گروه و جماعتی از مسلمانان را تکفیر نمایند و نیز برخی عوامل روانی در جامعه مخاطب، موجب پذیرش چنین اقدامی می گردد. در این نوشته تلاش بر این است که این عوامل روانی و ذهنی دخیل در مسئله تکفیر، به طور استقرائی مورد مطالعه قرار گیرند.

تعریف تکفیر:

به زبانی ساده می توان تکفیر را چنین تعریف کرد:

«نسبت دادن کفر به مسلمان یا اهل قبله» [1]

عوامل روانی تکفیر در بین اهل سنت:

1- تمایل به خشونت:

برخی افراد به دلایل مختلف از جمله شرایط سختی که در آن تربیت شده اند و مشکلاتی که با آن مواجه

بوده‌اند و رنج‌هایی که متحمل شده‌اند دارای شخصیتی خشن و جرم‌گرا هستند. به عنوان نمونه می‌توان از ابومصعب زرقاوی یاد کرد. او در اوایل مسیر زندگی پدر را از دست می‌دهد و به بزه و مواد مخدر روی می‌آورد تا اینکه در نوجوانی زندانی می‌شود و در زندان با جهادی‌های سلفی آشنا شده و مسیر زندگی او تغییر می‌کند[2]. او در بین جهادیون به شکلی افراطی دیگران را تکفیر کرده و می‌کشت تا جایی که اعتراض دیگر همفکران[3] خود را بر می‌انگیزد.

2- حس قیام به زدودن منکرات از جامعه:

وقتی نمادهای غربی و ضد دینی در جامعه شیوع پیدا کرد عده‌ای احساس خطر می‌کنند و تصورشان این است که دین خدا در حال تعطیل شدن و نابودی است و می‌بایست برای نجات دین و جامعه کاری انجام داد.

در چنین شرایطی در فضای اهل سنت نوعاً به مباحث آخرالزمان پرداخته می‌شود و این مسائل را نشان از آخرالزمان می‌دانند و این بدان معناست که باید کاری کرد و درمقابل این اتفاقات ایستاد. از ابتدای تشکیل عربستان سعودی جدید افرادی که با عبدالعزیز بودند محصولات و دستاوردهای غربی و تکنولوژی مدرن را برنمی‌تابیدند و تفکر عبدالوهابی آنها همه این امور را مصداق بدعت می‌دانست تا جایی که عبدالعزیز مجبور به درگیری با آنها می‌شود. در نهایت او مخالفان را وادار به سکوت می‌کند و آنها هم به این استناد که ما تکلیف خود را انجام داده ایم و حال باید از حاکم اطاعت کرد سکوت می‌کنند اما بعد از گذشت تقریباً 30 سال مجدداً این احساسات انباشته شده در زمان ملک فیصل خود نمای می‌کند و این مخالفتها شروع می‌شود تا اینکه به داستان جهیمان العتیبی و القحطانی و انتفاضه مسجد الحرام می‌انجامد.

شکل دیگر از این رفتار را می‌توان در کلمات سید قطب در کتاب تاریخ ساز خود، «معالم فی الطريق» مشاهده نمود که او هم فساد و فحشای موجود را بر نمی‌تابد و در نتیجه همین امر سبب تکفیر کسانی می‌شود که تن به چنین جامعه و زندگی داده باشند. گرچه شاید در ابتدا خود سید قطب دامنه این تکفیر را وسیع نداند اما افراد بعدی که در خط فکری او حرکت می‌کردند افراطی‌تر برخورد کرده و آنچنان دامنه تکفیر را باز کردند که جز خودشان مسلمانان باقی نگذاشتند. شکری مصطفی نمونه چنین اقدام و تفکری می‌باشد.

3- انحصارگرایی (حق دیدن خود):

برداشتهای کوتاه بینانه از متون دینی و آیات قرآنی و نیز استناد به سیره صحابه به قشری گرایي خوارجي دامن می زند. این افراد تصور می کنند فهم آنها از متن دینی در غایت درستی و حقانیت است و دیگران بر خلاف شرعیت عمل می کنند پس به راحتی دیگران را مصداق *و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون*[4] می دانند و کفر دیگران را اثبات می کنند.

تکفیردیگران و تخریب آنان موجب شکوفایی حس تقرب به خدا در شخص می شود. وقتی دیگرانی که ادعای اهل اسلام بودن دارند از اسلام بیرون رانده شدند در نتیجه تنها گزینه باقی مانده در تحت چتر اسلام خود من هستم.

این روحیه را می توان به وضوح در کتاب «الجهاد الفریضة الغائبه» نوشته محمد عبدالسلام فرج، احساس نمود.

4- اقتدار گرایی:

شیعیان عدالت محور هستند و قسط و عدالت را هدف اصلی بعثت انبیاء می دانند.[5] الگوهای دینی در دیدگاه شیعه مصادیق بارز عدالت هستند. امام علی (ع) با عدالتش معرفی می شود و امام مهدی (عج) برای برپایی عدالت قیام خواهد کرد. حتی توقع شیعه از حاکم غیر معصوم هم اجرای حد اکثری عدالت است. در طول تاریخ هم عمده قیامهای شیعیان علیه حاکمان، در راستای عدالت خواهی بوده است.

اما در تلقی اهل سنت، که برگرفته از تاریخ اسلام است محوریت با مسئله اقتدار است. حاکم مطلوب و خوب کسی است که اقتدار بیشتری دارد و در بین خلفا و حکام صدر اسلام هم آنهایی که قدرت و اقتدار بیشتری دارند از محبوبیت بالاتری برخوردارند. این یکی از تفاوتهای عمده در میان شیعه و اهل سنت است.

با چنین ذهنیتی، تکفیر دیگران و صدور حکم در مورد آنها نوعی حس قدرت و اقتدار به شخص می دهد و موجب پیدایش نوعی احساس غرور و بزرگی در او می کند. خارج دانستن دیگران از دین و قیام برای از بین بردن آنها، شخص را در عداد بزرگان تاریخی خود قرار می دهد. شاید این یکی از مهمترین پس زمینه های ذهنی جهادیون تکفیری در دوران معاصر ما باشد از حرکت های شکل گرفته در مصر تا جهاد در افغانستان و دیگر کشورها و بعد در عراق و سوریه. این افراد با این اقدامات تکفیری و جهادی خود را در صف صحابه و مجاهدانی که سرزمینهای دیگر را فتح کردند و موجب شکوه اسلام- در تلقی اینان- شدند

بعد از داستان مشکوک یازده سپتامبر در آمریکا و طرح مسئله خاورمیانه بزرگ توسط نئو محافظه کاران آمریکایی و حمله به عراق و افغانستان ، در شرایطی که بهت و ترس حکام عرب و جوامعشان را فراگرفته و با پیروزیهای حزب الله لبنان در مقابل اسرائیل و قدرت نمایی شیعه و ایران، و تار و مار شدن مجاهدان القاعده و سر خوردگی جهان اهل سنت، ظهور ابومصعب زرقاوی در عراق و کشتار مردم بخصوص شیعیان توسط او و تعبیرات خاص او از شیعه به عنوان مجوس و کافر و عدو قریب، عملاً او را برای طیف خاصی از جهان اهل سنت به یک قهرمان تبدیل می کند.

عمده افرادی که به این گروهها ملحق می شوند افرادی از طبقه پایین اجتماع هستند که راهی برای خودنمایی و جلب توجه دیگران به غیر گرویدن به این جریانهای تکفیری ندارند. به عبارت دیگر این تنها دریچه ای است که می تواند به آنها شخصیت بدهد و حمایتیهای برخی دول عربی از آنان را جلب کند.

5- تکفیر ، امری جذاب در فضای فقرزده عربی نجد:

-طرح ایده تکفیر باقی مسلمانان توسط محمد بن عبدالوهاب موجب استقبال ابن سعود و اطرافیان او می شود. از انگیزه های روانی این افراد می توان به مبرریت این دیدگاه و فقر شدید حاکم برعرب نجد و نیز روحیه بسیار خشن و ستیزه جوی آنها یاد کرد.

در شرایطی که اینان در فقر شدید مالی و فرهنگی به سر می برند و مشکلات زندگی صحرا ، خود عامل خشن شدن رفتار و ذهن این افراد است و درک بالایی هم از دین وجود ندارد ایده تکفیر و مباح دانستن خون و اموال دیگرمسلمانان و غیر مسلمانان و عبید و اماء بودن مردان و زنا نشان با آغوش باز پذیرفته و حمایت می شود. این تلقی که اگر کشته شوند در صف شهدا هستند و اگر پیروز شوند لذتهای وسوسه کننده ای درانتظارشان خواهد بود از تلذذ بی حد و حصر از زنان گرفته تا غارت اموال و دارایی طرف مقابل، در نظر آنان مصداق عینی احدي الحسنيين محسوب می شد.

6- تکفیر دیگران برای واکسینه کردن خودیها :

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ، موجی از اسلام خواهی در جهان اسلام برانگیخته شد. اقشار و احزاب مختلف از اهل سنت که تحت فشار استعمار و حاکمان ظالم و خود فروخته بودند رسیدن به الگویی اسلامی و

دینی از حکومت را مانند رویای شیرین ولی دست نیافتنی می دیدند. با پیروزی انقلاب در ایران بارقه امیدی در همه این قلبها بر افروخته شد و خیل گسترده ای از جوانان و مذهبیهای کشورهای اسلامی علاقمند به ایران و انقلاب اسلامی شدند.

از همان زمان عمده تبلیغات کشورهایمانند سعودی در داخل عربستان و نیز در جهان اسلام متمرکز بر ضدیت و دشمنی با تشیع و ایران به عنوان مرکز ژئوپولیتیک شیعه شد و کتابهای زیادی در این راستا نوشته شده و در تیراژ گسترده ای توزیع شد. تلاش اینان برای جلوگیری از جذب شدن جوانان به تفکرات انقلابی و شیعی بود و از طرفی هر کسی را که قصد انقلاب و قیام علیه حاکمان داشت را متهم به شیعه بودن و شیعه گری می کردند و اینگونه از خود دفع خطر می نمودند.

درچنین شرایطی تکفیر شیعه موجب ثبات و پایداری این قدرتها می شد. بعلاوه با این شگرد، نیروهای مخالف و متخاصم داخلی را که از بدنه متعصب مذهبی بوده و همیشه هم وجود داشتند را می توانستند در خارج مرزهای خود به بهانه مبارزه با کفر، به تبلیغ و یا قیام مسلحانه علیه کافران و منافقان مشغول نمایند.

بعد از پیروزی حزب الله لبنان در جنگ 33 روزه که موجب بهت و شگفتی جهان عرب شد و دلهای بسیاری از جوانان اهل سنت را شیفته حزب الله و شخص سید حسن نصرالله کرد، باز هم چنان واکنشهایی از سوی سران و علمای تندرو سلفی شدت گرفت.

گاه برخی حکام عرب برای بسط روابط خود با دولتهای غربی و برای خوش خدمتی بیشتر، در صدد همراه شدن با استعمارگران و مقابله با کشورهایی همچون ایران برآمدند و تکفیر هم بخشی از این سناریو بود. گرچه صرف تکفیر اهمیتی برای غربیها نداشت اما از آنجایی که این امر موجب منزوی شدن ایران و فکر شیعی در میان دیگر مسلمانان می شد مورد استقبال این ابرقدرتها بود.

7- تکفیر برای حذف رقیبان:

در چالشهای فکری و سیاسی و در تقابل منافع، یکی از شیوه های موثر برای کسانی که برمذهبیها حکومت می کنند استفاده از ابزار دین است. وقتی جامعه گرایشات مذهبی شدید دارد می توان برای حذف دشمن و رقیب از ابزار دین استفاده کرد. نمونه بارز این واقعیت را می توان در درگیری «داعش» با «جبهه النصرة لاهل الشام» دانست. زمانی که محمد الجولانی که خود از نیروهای ابوبکر بغدادی بوده عازم

سوریه شده و بعد به «دولت اسلامی عراق» خیانت کرده - در تلقی ابوبکر بغدادی- و اعلام استقلال از آنها می کند ، ابوبکر بغدادی برای حذف رقیب او را متهم به بیعت شکنی و کفر می کند و خون او را هدر می داند و همین مجوز حمله و کشتن کسانی می شود که تا دیروز در کنار یکدیگر علیه حکومت سوریه می جنگیدند.

8- تکفیر برای توجیه عقب ماندگیها و ارضای جهادگری:

عقب ماندگیها ، ناکامیها و مشکلات اجتماعی مسلمانان سبب شد تا برخی از کسانی که از وضعیت موجود رنج می بردند گروهی دیگر از مسلمانان و خودیها را - علاوه بر دشمنان خارجی- متهم نمایند تا هم بار گناه را به دوش آنان بیاندازند و هم باورهای خاص آن گروه و مکتب را تخریب کرده باشند. نمونه بارز این رویکرد در سخنان ابن تیمیه و متهم کردن شیعیان به از بین بردن خلافت بنی عباس و همکاری با کفار مغول است. همین مطلب موجب می شود او شیعیان را هم در عداد همان کفار مغول بداند[6].

در دوران معاصر سرخوردگیهای تاریخی و حقارتیهای گوناگون سبب شد تا نوعی جهاد طلبی و قیام در میان مسلمانان زنده شود. مصر بستر این انگیزشهاست. دیدگاه سید قطب در مورد جامعه جاهلی و کفر و سپس کتاب «الجهاد الفریضه الغائبه» که توسط محمد عبدالسلام فرج نوشته می شود، عامل اصلی عقب ماندگیها و بدبختیهای جهان اسلام را از خود مسلمانان می داند و از آنان به «عدوقریب» یا «دشمن نزدیک» تعبیر میکند و جهاد با اینها را مقدم بر جهاد با «دشمنان دور» می داند.

این دیدگاه سبب می شد تا با قیام علیه خودیها ، حس جهاد طلبی را در خود ارضاء کنند و خود را مجاهدان راه خدا بدانند و دیگران را متهم به کفر و بی دینی نمایند و علاوه بر این، با دشمنان بزرگ هم روبرو نباشند. زیرا اگر قرار بود قدرتهای غربی را دشمن ردیف اول بدانند، از طرفی جهاد برایشان مشکل می شد و دشمن قدرتمند به راحتی آنها را حذف می کرد در حالی که جهاد با مسلمانان جهاد راحت تر بود و از طرف دیگر با تکفیر مسلمانان و جهاد با آنها، در بسیاری مواقع از طرف غربیها مورد حمایت قرار می گرفتند و از کمکهای مختلف آنها بهره مند میشدند.

10- پای فشاری بر عقاید خود:

یکی از ویژگیهای درونی اسلام مقاومت و بقای آن در شرایط سخت و بحرانهاست . در دوران معاصر، «درمیان ادیان مختلف تنها اسلام بود که بر اصول خود و اصالتهایش پای فشرد و در درون تمدن نوین هضم

نشد و به معارضه ای رودر روی پرداخت تا لا اقل در قلمرو خود، حاکمیت خود را حفظ کند. ساختمان درونی این دین به گونه ای است که معتقدانش را به کوششی پیگیر تحقق خود و طرد غیر خود فرا می خواند. یک مسلمان تا زمانی که مسلمان است موظف است به اصول و مبانی خود پایبند باشد. این لازمه فلاح ورستگاری اخروی و عزت و سربلندی دنیوی اوست» [7].

همین مسئله از حیث روانی می تواند در شرایطی که مسلمانان از ناحیه گروهی از خودیها احساس خطر می کنند طرف مقابل را که تهدید تلقی میشود متهم به خروج از دین نمایند تا باور خودشان به عنوان باور اصیل و اسلامی حفظ گردد.

11- تعصبات قومی و عربی:

تعصب شدید عربها نسبت به قبیله خود در درون عربها و تعصب بر عربیت خود در مقابل غیر عرب، از دیر باز سبب وقوع اتفاقات ناخوشایند بسیاری در جهان اسلام شده است. یکی از تلاشهای جدی پیامبر (ص) تلاش برای زدودن این عقبه فکری از ذهن اعراب بود اما رسوخ این مسئله در اعماق ذهن عرب قوی تر از آن بود که به آسانی حذف و برداشته شود.

همین مسئله سبب می شود که اعراب خود را مسلمان اصیل و درجه اول تلقی کنند و دیگر مسلمانان را در درجهای پایین تر قرار دهند. اگرچه پیدایش مذهب تشیع از خود جهان عرب و جامعه اسلامی آغاز می شود اما بی شک ایران و به تعبیری جامعه عجم، فضایی مناسب برای گسترش معارف عالییه و حقه اهل بیت پیامبر (ص) بود تا جایی که گاه اهل سنت، مکتب تشیع را زاییده دست ایرانیان در صدد تخریب اسلام اصیل معرفی نمودند و شیعه را با عناوینی همچون «مجوس» خطاب کردند غافل از اینکه ایران در ابتدا با اسلام سنی آشنا شد و بیشتر نقاط ایران مکتب اهل تسنن را پذیرفت تا جایی که پنج کتاب از شش کتاب حدیثی اهل سنت توسط ایرانیان نوشته می شود [8]. اما رفته رفته در اثر آشنا شدن با مکتب اهل بیت (ع)، آن را اصیل یافته و پذیرفت و مشکلات فراوانی را نیز در این راستا متحمل گردید. حتی امروز هم جریانهای تکفیری از ایران و تشیع با عنوان مجوس تعبیر می کنند [9].

12- نوع تلقی اهل سنت از پیامبر (ص) و صحابه:

شیعیان پیامبر خود را پیامبر دوستی و رحمت و عشق می دانند و در تعالیم خود او را انسانی دوستدار و عاشق انسانها معرفی می کنند. کسی که وقتی دشمنانش او را مورد ضرب و شتم قرار می دهند دست به

درگاه الهی بلند کرده با لحنی پراز محبت می گوید خدایا اینان قوم من هستند و از روی جهالت چنین کردند پس تو بر آنان سخت مگیر و عذابشان مکن! [10] حتی در جایی که مجبور به جنگ است با اکراه چنین می کند و تمام تلاش او برای جلوگیری از کشتن انسانهاست. مصداق بارز این رویه در نوع اقدام ایشان در فتح مکه است.

اما در کتب روایی اهل سنت روایاتی وجود دارد که می توانند چهره ای متفاوت از پیامبر (ص) و دیگر صحابه عرضه نمایند. اینکه پیامبر خودش را مأمور به ذبح بداند و برای ذبح مخالفان خود مبعوث شده باشد [11]. وقتی این آموزه ها در ذهن افراد مرتکز می شود تمایل و گرایش به خشونت و تکفیر دیگران در میان نشان شدت می گیرد.

در نگاه شیعه ، محبت و عشق ورزیدن به خاندان نبوت و اولیای دین و سرایت دادن این دوستی به بندگان مومن خدا ، تاثیر بسزایی در تلطیف روحیه آنان دارد، چیزی که قرآن از آن به عنوان اجر رسالت یاد می کند. اما در تعالیم اهل سنت توجه چندانی به این نکته وجود ندارد و همین مسئله ذهن افراد را برای تکفیر و راندن دیگر مسلمانان و رفتار خشونت آمیز با آنان مستعد می کند.

13- ماجراجویی:

یکی از علل جذب تازه مسلمانان غربی به گروههای تکفیری وجود روحیه ماجراجویی در جوامع غربی است. در فرهنگ غرب تمایل زیادی به ماجراجویی و انجام کارهای پر خطر است. عملیات اکتشاف غارهای طولانی و مخوف ، سقوط از ارتفاع ، بالا کشیدن از یک آسمان خراش ، دست و پنجه نرم کردن با حیوانات خطرناک ، شنا در میان کوسه ها و ده ها و صدها نمونه دیگر از کارهای پر خطری که انجام آنها در آن فرهنگ جذابیت خاص خود را دارد. یکی از زمینه های روانی و ذهنی تازه مسلمانان غربی برای پیوستن به گروههای تکفیری و شرکت در عملیاتهای جهادی همین روحیه ماجراجویی در آنهاست.

البته نباید از نکته دیگری در مورد این طیف غافل شد و آن عبارتست از تلاش آنها برای انجام جهاد و نوعی از خود گذشتگی برای جبران گذشته خود.

فقر اقتصادی و فرهنگی، عدم درک درست از دین، تفسیر تاریخی دین و اقتدار گرایی، عقب ماندگی گسترده، انحصار گرایی، تعصبات قومی از مهمترین عوامل روانی و ذهنی تکفیر می باشند. درک درست و واقع بینانه از پدیده تکفیر و ذهنیات تکفیریها، عدم تحریک احساسات مذهبی این افراد، سعه صدر در برخورد با دیگر مسلمانان، وحدت و تعاملات برادرانه در بین سایر مذاهب اسلامی و برخورد هوشمندانه علمای دین و نیز دیگر عواملی که ذکر نشد همگی می توانند کمک شایانی به کنترل و محدود کردن پدیده تکفیر نمایند.

منابع:

- 1- قرآن کریم
- 2- «زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن» ، محمد مسجد جامعی ، چاپ اول ، انتشارات الهدی، سال 1369
- 3- ابراهیم نژاد، محمد، «داعش؛ دولت اسلامی عراق و شام» ، انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل البیت علیهم السلام
- 4- ابن تیمیه ، الفتاوی الکبری، کتابخانه دیجیتال الشامله
- 5- عبدالسلام فرج، محمد، الفریضه الغائبه ، نسخه دیجیتال
- 6- طبرسی، فضل بن حسن ، اعلام الوری باعلام الهدی، ناشر اسلامیة، 1390 ق

7- <http://www.fahimco.com/ShowArticle.aspx?ID=3938>

<http://Arabic.cnn.com/middleeast/2014/06/29/urgent-isis-declares-caliohate>

[2] - ابراهيم نژاد، محمد، داعش، ص 14 به نقل از ، Riedel Buruce ، AlQaeda for search The ، 89-90 p

[3] - همان ص 25 به نقل از : the Islamists and the factor Zargawi ، csis ، 22/6/2006

[4] - المائدة (5) : 44

[5] - الحديد(57):25: *لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...*

[6] - الفتاوى الكبرى ص 286 و ص 288: « ولم يكن معهم (التتار) في دولتهم مولى لهم إلا من كان من شر الخلق إما زنديق منافق لا يعتقد دين الإسلام في الباطن — أي أن يظهر الإسلام — وأما من هؤلاء من هو شر أهل البدع كالرافضة والجهمية والاتجارية ونحوه — وهم أصحاب البدع — وإما من أفجر الناس وافسقهم وهم في بلادهم مع تمكنهم لا يحجون البيت العتيق وإن كان فيهم من يصلي ويصوم فليس الغالب عليهم إقامة الصلاة وإيتاء الزكاة ... و من دخل في طاعتهم الجاهلية وسنتهم الكفرية كان صديقهم ، ومن خالفهم كان عدوهم ، ولو كان من أنبياء الله ورسله وأوليائه . »

[7] - مسجد جامعي ، محمد ، «زمينه هاي تفكر سياسي در قلمرو تشيع و تسنن» ، ص 18

[8] - چهار كتاب شيعه و مولفين آنها عبارتنداز:

(الف) اصول الكافي: محمد بن يعقوب كليني

(ب) من لا يحضره الفقيه : علي بن حسين بن بابويه قمي (صدوق)

(پ) تهذيب الاحكام: محمد بن حسن طوسي(شيخ طوسي)

(ت) الاستبصار: محمد بن حسن طوسي(شيخ طوسي)

هر سه عالم شهير نامبرده از ايران هستند. و اما صحاح سته اهل سنت عبارتند از:

(الف) صحیح بخاری: محمد بن اسماعیل بخاری

(ب) صحیح مسلم: مسلم بن حجاج قشیری نیشا پوری

(پ) سنن ابن ماجه: محمد بن يزيد بن ماجه قزوینی

(تسنن أبي داود: سليمان بن اشعث بن اسحاق سجستاني

(ث) سنن ترمذی: محمد بن عیسیٰ بن سورہ

(ج) سنن نسائي: احمد بن شعيب نسائي

هر پنج عالم اول از ایران بزرگ آن زمان هستند.

[9] - زرقاوي به کثرت این تعبیر را به کار می برد و نیز در بیانیه اعلان خلافت ابوبکر بغدادی از ایران و شیعیان به عنوان مجوس یاد شده است.
http://www.cnn.com/2014/06/29/middleeast/com.cnn.Arabic/urgent/isis-declares-caliphate :

[10] - اعلام الوري باعلام الهدي ص 82

[11] - استمعوا يا معشر قريش ، أما والذي نفس محمد بيده لقد جئتمكم بالذبح - الفريضة الغائبه ، محمد
عبدالسلام فرج م3